

تبیین مفهوم و مؤلفه های استقلال فرهنگی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)

نویسندگان: مجتبی صدیقی^۱، حسین مسعودنیا^۲، حسین هرسیج^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۶/۱۴

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب از مفاهیم متعدد و پیچیده‌ای نظام یافته که برای شناخت دقیق آن لازم است تمام این اجزاء مورد مذاقه قرار گیرد. در میان این مفاهیم استقلال فرهنگی نقشی برجسته دارد. برای درک این مفهوم لازم است جایگاه فرهنگ را در اندیشه ایشان مورد بررسی قرار داد و تأکید امام بر مسأله استقلال را تحلیل نمود و رابطه این مفهوم را با استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی روشن ساخت. نوشتار پیش رو کوشیده با استفاده از روش تحلیل محتوای اسکینر به این سوال پاسخ دهد که مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه امام چیست و از چه مولفه‌هایی برخوردار است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد از نگاه امام فرهنگ مجموعه‌ای هویت‌ساز، مولد تربیت و تفکر پرور است و استقلال فرهنگی یعنی عدم وابستگی فکری و تربیتی به غیر. مولفه‌های این استقلال شامل استقلال فکری مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی، خودباوری و اعتماد به نفس ملی، تربیت اسلامی مبتنی بر هویت توحیدی و رویکرد تهاجمی فرهنگ توحیدی علیه فرهنگ الحادی می‌باشد که ضرورت دارد بانگاهی جهادی به تقابلی دائمی با نظام سلطه بپردازد. عنصر دیگر استقلال اقتصادی است و اگر نظام توحیدی به خود کفایی اقتصادی نرسیده باشد در تقابل با تمدن مادی غرب موفق به رسیدن به استقلال فرهنگی نخواهد شد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ، استقلال فرهنگی، مؤلفه های اندیشه، کنش گفتاری

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، yaraneedalat@chmail.ir

۲. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان، masoudn@ase.ui.ac.ir

۳. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان، harsij@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

وقوع انقلاب صنعتی سوم در واپسین دهه‌های هزاره دوم میلادی، سبب شکل‌گیری انقلاب دیجیتال و طرح پدیده‌ای به نام جهانی شدن گردید؛ واژه‌ای که البته در خصوص تعریف ابعاد و پیامدهای آن میان محققین اتفاق نظر کاملی نیست. اما با این وجود غالب پژوهشگران بر یک نکته اتفاق نظر دارند و آن هم اینکه یکی از مهمترین ابعاد جهانی شدن گسترش فرهنگ غرب با استفاده از امکانات رسانه‌ای آن و استحاله فرهنگ‌های بومی و محلی است. وجود چنین خطری فراروی انقلاب اسلامی سبب گردید تا مسأله‌ای به نام تهاجم یا شبیخون فرهنگی و ضرورت مقابله با آن از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح گردد. چرا که امروز فرایند پروژه‌محور یا پروسه‌محور جهانی شدن در حال نبود کردن هویت‌های فرهنگی متعارض در دنیاست و یک تهاجم فرهنگی همه‌جانبه علیه فرهنگ ملی و اسلامی ایرانیان شکل گرفته که به دنبال درنوردیدن هویت و استقلال فرهنگی و سیاسی کشور است اما عملاً تبیین محدودی در رویکرد فکری امام به مسأله استقلال فرهنگی از دریچه هویت انقلاب اسلامی صورت گرفته است و در نتیجه امروز فاقد تصویری شفاف از این مفهوم می‌باشیم. بنابراین ضرورت و اهمیت این موضوع محورهای ذیل را در بر می‌گیرد:

- یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی، مفهومی به نام "استقلال" است.
- استقلال از ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی است.
- یکی از ابعاد استقلال که بسیار مورد توجه بنیانگذار انقلاب بوده، استقلال فرهنگی است.
- تأکید ایشان بر روی این موضوع پیامد دو نکته بوده است؛ اول اعتقاد عمیق امام بر "ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی" و دیگری تأکید ایشان بر جایگاه "استقلال فرهنگی" به عنوان ضامن تداوم استقلال سیاسی و اقتصادی نظام اسلامی.
- وجود مناقشات گسترده فکری در حوزه مسائل کلان فرهنگی و سیاسی کشور، سیاستگذاری راهبردی در حوزه فرهنگ و سیاست را عملاً متزلزل ساخته است.
- بنابراین وجود تصویری شفاف و گویا از اندیشه امام در زمینه استقلال فرهنگی و مؤلفه‌های آن می‌تواند پایان‌بخش بسیاری از مجادلات نظری و عملی در کشور باشد و اجماع نخبگانی لازم در سیاستگذاری و اداره کشور را فراهم سازد. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای محور اصلی پژوهش پیش‌رو از دو سوال تشکیل شده است:

۱- استقلال فرهنگی از منظر امام به چه معناست؟

۲- استقلال فرهنگی در اندیشه ایشان از چه مؤلفه‌هایی شکل یافته است؟



و به سؤالات فرعی ذیل نیز پرداخته خواهد شد:

- ۱- خاستگاه توحیدی اندیشه‌های شیعی امام چه اثری بر شکل‌گیری نوع نگاه ایشان به مسأله فرهنگ و استقلال فرهنگی داشته است؟
 - ۲- تجربه تاریخی حکومت پهلوی چه نقشی در شکل‌دهی به اندیشه امام در خصوص استقلال فرهنگی و مؤلفه‌های آن داشته است؟
 - ۳- چه راهکارهایی در اندیشه امام برای تحقق استقلال فرهنگی می‌توان پیدا کرد؟
- براین اساس، پژوهش حاضر با استناد به مجموعه بیانات امام در صحیفه نور، به بررسی سؤالات فوق به شیوه توصیفی و تحلیلی خواهد پرداخت.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- ادبیات نظری: تعریف مفهوم فرهنگ

اصولاً فرهنگ مفهومی مبهم و پیچیده است و در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از مناظر متعددی مورد بحث قرار گرفته و تعریف و تبیین شده است. متخصصان رشته‌های مختلف تلاش‌های بسیاری برای شناخت و تبیین مفهوم آن به خرج داده‌اند اما همچنان تعریفی روشن که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، عرضه نشده است. از جمله دلایل این امر می‌توان به مشترک بودن این مفهوم در علوم مختلف همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی و غیره اشاره کرد. همچنین نگاه جزئی و بخشی به عناصر فرهنگ به جای کلیت مفهوم آن، و زمینه‌های فلسفی و نظام انسان‌شناسی خاصی که هر یک از مکاتب علمی در علوم اجتماعی از آن متأثر گشته و اصول خود را بر آن بنا نهاده‌اند، می‌تواند به عنوان عاملی دیگر در این زمینه مد نظر قرار گیرد. (فاضلی، ۱۳۷۲، ص ۱۲). در مجموع چهار رویکرد در تعریف مفهوم فرهنگ وجود دارد: (معینی، ۱۳۷۴، ص ۲۸)

- ۱- **تعریف‌های تاریخی:** که تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه دارد. از نگاه لینتون فرهنگ، به معنای عام، کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص، رگه‌ای ویژه از میراث اجتماعی یعنی، فرهنگ یک قوم یا ملت. (آشوری ۱۳۸۹، ص ۵۶)
- ۲- **تعریف‌های روانشناختی:** که تکیه بر الگو و روش تسهیل‌سازی با محیط و جامعه دارد. تعاریف روانشناختی بر نقش فرهنگ به مثابه حلال مشکلات تأکید می‌کنند. فیلیپ اسمیت در این خصوص معتقد است فرهنگ به مردم اجازه می‌دهد با یکدیگر مراوده داشته باشند، آموزش ببینند، یا نیازهای مادی و عاطفی خود را برآورده سازند. (اسمیت ۱۳۸۷، ص ۱۶)



۳- **تعریف‌های ساختاری:** که در آن تأکید بر ایجاد شدگی یک ساختار توسط اجتماع بشری را دارد. کلوکهمان معتقد است فرهنگ‌ها نه تنها دارای محتوی بلکه دارای ساختار نیز می‌باشند. آنها نظام‌های فرهنگی هستند به این معنا که گسسته نبوده و مستقل از افراد خاص دارای الگوهای سازمان یافته می‌باشند. فرهنگ‌ها طرح‌هایی برای زندگی کردن هستند که در جریان تاریخ شکل می‌گیرند. (بیلینگتون ۱۳۸۰ ص ۳۳)

۴- **تعریف‌های تشریحی:** تأکید بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را دارد. وثوقی و همکاران در مورد مفهوم فرهنگ بر این اعتقاد هستند که فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین و هر گونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه بدست می‌آورد. (وثوقی ۱۳۷۵ ص ۱۱) همچنین مقام معظم رهبری معتقدند: "فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ .. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنهاست؛ فرهنگ این است". (سخنرانی، ۹۳/۱/۱، حرم رضوی)

در این نوشتار در وقت مقتضی به بررسی تعریف امام از مفهوم فرهنگ و شرح تفاوت و شباهت تعریف ایشان با سایر تعاریف موجود خواهیم پرداخت.

۲-۲- پیشینه پژوهش

اندیشه‌های امام (ره) ابعاد مختلف و مرتبیطی دارد و کارشناسان و اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی به کرات این ابعاد را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مفهوم فرهنگ، جایگاه آن و همچنین مفهوم و مولفه‌های استقلال از جمله مواردی است که در این بررسی‌ها مورد توجه قرار گرفته اما هیچ پژوهشی که در آن استقلال فرهنگی از نگاه ایشان تبیین و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته باشد پیدا نشد. ذیلا به چند مطالعه نزدیک اشاره می‌گردد:

۱- جدول پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق

نویسندگان (سال) - روش	سوال یا اهداف	مهمترین یافته‌ها
صمیم و همکاران (۱۳۹۵) - روش تحلیل محتوا	سیاستگذاری فرهنگی در اندیشه امام از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟	هدایت جامعه مبتنی بر استقلال فرهنگی براساس این نکته ضرورت پیدا می‌کند که ولی فقیه وظیفه هدایت جامعه به سمت سعادت را دارا می‌باشد.
فوزی و همکاران (۱۳۹۴) - تحلیل محتوای کمی و کیفی	مهمترین موضوعاتی که امام در سخنرانی‌های خود مورد توجه قرار دادند چه بوده است؟	از سال ۴۱ تا ۶۵ امام به صورت ویژه و مرتب به اهمیت مسأله فرهنگ و استقلال فرهنگی پرداخته‌اند



نویسندگان(سال)-روش	سوال یا اهداف	مهمترین یافته‌ها
نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۴) -روش توصیفی	چه نسبتی میان فرهنگ استعماری و فرهنگ استقلالی در اندیشه امام(ره) وجود دارد؟	وابستگی فرهنگی زمینه ساز وابستگی اقتصادی و سیاسی است و استقلال فرهنگی موجبات استقلال در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود
جعفری و همکاران (۱۳۹۲) -روش تحلیلی و توصیفی	در اندیشه امام چه راهبردهایی برای مقابله با سلطه فرهنگی استکبار در مورد توجه قرار گرفته است؟	شناخت فرهنگ خودی و استقلال فرهنگی ضرورت مقابله با طراحی‌های فرهنگی استکبار است و استقلال فرهنگی در صورت عدم شناخت و غفلت از این مهم آسیب خواهد دید.
موسوی و همکاران(۱۳۹۲) -روش تحلیلی و توصیفی	چه راهکارهایی را برای تحقق امنیت فرهنگی در منظومه فکری امام (ره) می‌توان مشاهده نمود؟	امام تهدیدات فرهنگی در مواردی همچون تخریب اسلام و نهاد روحانیت، بسترسازی برای پذیرش فرهنگ استعماری و جلوگیری از رشد جامع و ترویج فساد را عامل تهدید امنیت کشور می‌داند.
جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲) -روش توصیفی	مهمترین شاخص‌های استقلال و رابطه آن با استقلال سیاسی در اندیشه امام چیست؟	وابستگی فرهنگی عامل اصلی از بین رفتن استقلال سیاسی کشور است
موسسه فرهنگی راه فخرالائم(۱۳۹۲) -روش توصیفی	در اندیشه دینی چه مبانی برای استکبارستیزی وجود دارد؟	تلاش برای غربی‌سازی فرهنگ ایران در راستای سیاست مہار همه‌جانبه انقلاب اسلامی‌واز بین بردن استقلال سیاسی کشور صورت می‌گیرد
مصطفوی(۱۳۸۹) -تحلیل محتوا	چه راهکارهایی برای تحول فرهنگی ایران در اندیشه امام وجود دارد؟	امام بر عدالت‌ورزی، عمل به قانون، اهلیت تزکیه، معنویت و تعهد به عنوان اموری که راهگشای اصلاح فرهنگی و ایجاد فرهنگی مستقل از تمدن غرب است تأکید می‌کنند.

همانگونه که از نقل‌های بالا مشهود است، در بررسی‌های متعددی که بر مفهوم فرهنگ در اندیشه امام(ره) صورت گرفته عملاً بررسی جامعی که در آن مفهوم استقلال فرهنگی و مؤلفه‌های آن مورد توجه قرار گرفته باشد، یافت نگردید. نوشتار پیش رو می‌کوشد مفهوم استقلال فرهنگی را در رابطه با مؤلفه‌های مختلف استقلال در اندیشه امام بررسی نموده و تصویری جامع از مفهوم و مؤلفه‌های آن ترسیم نماید.

۳- روش تحقیق

ورود به اندیشه امام(ره)، مستلزم اتخاذ یک روش است. البته به علت پیچیدگی اندیشه و عمل سیاسی بزرگانی همچون ایشان، به دشواری می‌توان با یک روش اندیشه‌های آنان را تحلیل کرد. بنابراین برای شناخت اندیشه و شخصیت امام خمینی(ره)، باید



تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، تاریخی، عرفانی و مذهبی ایشان را در کنار مبانی فکری و اقتضائات زمانی مدنظر قرار داد و نوعی کثرت‌گرایی روشی را در پیش گرفت که البته در نوشتاری در حد یک مقاله قطعاً چنین امری میسر نیست.

در بررسی روش‌های موجود در این حوزه شاید یکی از بهترین‌ها روش "تحلیل محتوا" باشد که از قابلیت‌های مناسبی برای تحلیل اندیشه‌ها برخوردار است. "تحلیل محتوا" روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن " (باردن، ۱۳۷۵، ص ۶). "اصولاً می‌توان تحلیل محتوا را فنی دانست که به کمک آن می‌توان، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام‌یافته و عینی مورد شناسایی قرار داد" (کریپندورف، ۱۳۸۳، ص ۳). برنارد برلسون^۲ تحلیل محتوا را روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی جهت رسیدن به تفسیر تعریف کرده است (همان). برخی صاحب نظران تحلیل محتوا را هر رویه نظام‌مندی که به منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط شده باشد، تعریف می‌کنند (سرمد، ۱۳۷۹، ص ۷). برخی دیگر آن را به عنوان یک فن پژوهشی برای ربط دادن داده‌ها به مضمون آن به گونه‌ای معتبر و تکرارپذیر تعبیر می‌کنند (هولستی^۳، ۱۳۷۳، ص ۹). بنابراین، تحلیل محتوا عبارت است از "فنی که به وسیله آن مشخصات خاص پیام به طور روشمند و دقیق جهت استنباط علمی شناسایی می‌شوند" (از کیا، ۱۳۸۲، ص ۱۱). "دقت و عینیت امر متضمن آن است که تحلیل مبتنی بر قواعد مشخصی باشد تا به دانش پژوهان امکان دهد از پژوهش‌های مختلف به نتایج یکسان مورد نظر دست یابند" (ساده، ۱۳۷۵، ص ۸). البته روش تحلیل محتوا در میان اندیشمندان علوم انسانی دچار تکثرگرایی شده و با رویکردهای متفاوتی به آن پرداخته می‌شود. ما در این نوشتار از روش شناسی تحلیل محتوای اسکینر^۴ بهره خواهیم برد.

اساس روش شناسی اسکینر پاسخگویی به این سوال است که در تلاش برای فهم یک متن چه روشی مناسب است؟ براساس نگاه وی دو روش شناسی رایج و متعارف اما متضاد وجود دارد؛ "روش شناسی قرائت زمینه‌ای"^۵ که چارچوب یا "زمینه"^۶ را تعیین کننده معنای متن می‌داند و فهم متن را منوط به فهم زمینه‌های فکری، دینی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی آن می‌کند. براین اساس برای فهم متن باید زمینه کلی یا چارچوب نهایی که متن در آن پدید آمده را مورد بازشناسی قرار داد. رویکرد دیگر

1. Context Analysis
2. Bernard Berlson
3. Haulsti
4. Quentin Skinner
5. Methodology of Contextual Reading
6. Context



روش‌شناسی قرائت‌متنی نام دارد که بر "خودمختاری ذاتی متن"^۱ به عنوان کلید فهم آن تأکید می‌کند و هر تلاشی را برای بازسازی زمینه‌های فکری و اجتماعی آن بیهوده می‌داند. (مرتضوی، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

او مبتنی بر نقد قرائت زمینه و متن، روش‌شناسی خود را بنیان می‌نهد و از آنجا که در روش‌شناسی قرائت زمینه‌ای فرض بر این است که زمینه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... تعیین‌کننده متن است لذا برای فهم معنای متن باید زمینه‌های عینی پدید آمدن آن را شناخت. اما در روش‌شناسی قرائت‌متنی، متن به مثابه یک ابژه خوداتکافرض شده و بر خودمختاری ذاتی آن و مطالعه صرف هر آنچه در آن گفته شده تأکید می‌گردد. اما اسکینر مفروضات هر دو روش را نادرست دانسته (همان) و توجه محض به زمینه یا چارچوب اجتماع یا مطالعه صرف متن را برای فهم درست آن ناکافی می‌داند. او معتقد است باید از یکسونگری در این خصوص پرهیز کرد و با تلفیق این دو روش از طریق قرار دادن متن در زمینه و چارچوب فکری، اجتماعی و زبانی پیدایش آن به معنای مورد نظر مولف دست یافت. اسکینر مبنای روش‌شناسی خود را "کنش‌گفتاری مقصودرسان"^۲ قرار می‌دهد که منظوری این است که مولف با نوشتن متن کاری را انجام می‌دهد و از انجام آن نیز قصدی دارد. بنابراین اساس هدف را باید کشف همین قصد قرار داد (تولی، ۱۹۸۸، ص ۵۵). "برای نیل به مقصود نیز باید زیست بوم مولف، آثار و تالیفات وی، حوادث سیاسی و اجتماعی زمانه، وضعیت مخاطبان و خوانندگان و خلاصه فضای فکری و اجتماعی و زبانی زمان نگارش متن را بازآفرینی کرد تا با درک جایگاه مولف و موقعیت مخاطبان بتوان معنای مورد نظر وی را دریافت". (اسکینر، ۱۳۸۰، ص ۵)

بنابراین فرایند تحلیل متن پاسخگوی سؤالات زیر خواهد بود: نویسنده در نوشتن متن نسبت به دیگر متون موجود، که زمینه ایدئولوژیک را شکل می‌دهند، چه کاری انجام می‌دهد؟ نویسنده در نوشتن یک متن نسبت به کنش سیاسی موجود و مورد بحث که زمینه عملی را شکل می‌دهد، چه کاری انجام می‌دهد؟ ایدئولوژی‌ها چگونه باید شناسایی شود؟ ارتباط ایدئولوژی سیاسی و کنش سیاسی چیست و چه تأثیری در رفتار سیاسی دارد؟ کدام اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج و هنجار مرسوم ساختن تحول ایدئولوژیک نقش دارند؟ (بهرزولک، ۱۳۸۷، ص ۷۹)

با این توضیح، سخن گفتن فعالیتی زبان‌شناختی است و می‌تواند متشکل از دو کنش تلقی شود: نخست آن که نویسنده یا گوینده در هنگام بیان مفاهیم، آنها را با معنا و دلالت خاصی مطرح می‌سازد. دوم آن که نویسنده در هر بیانی، در حال انجام کاری

1. The Atonomy of Text Itself
2. Illocutionary Speech Act
3. James Tully



می‌باشد و آن کار را با نیت قصد شده‌ای انجام می‌دهد لذا ضرورت دارد بفهمیم نیت مؤلف در بیان آن چه بوده است؟ (همان ص ۸۳). بنابراین در راستای تبیین موضوع و برای تسهیل در بکارگیری روش اسکینر سه مقوله مدنظر قرار می‌گیرد، ایدئولوژی یا هنجار مرسوم، اقتضائات تاریخی و نیت مؤلف.

به این منظور مفاهیمی با بار معنایی ایدئولوژیک در بیانات ایشان که اشاره مستقیمی به تبیین موضوع دارند به صورت کیفی و کمی استخراج می‌گردد. همچنین نقش اقتضائات و تجربیات تاریخی در بیان مفاهیم نکته دیگری است که در این راستا به آن پرداخته خواهد شد و نهایتاً نیت مؤلف در ترکیب میان ایدئولوژی و اقتضائات تبیین می‌گردد. لذا سه گام برای تبیین موضوع برداشته می‌شود؛ در گام اول به مفهوم فرهنگ در اندیشه امام(ره) پرداخته خواهد شد. در این راستا واژگان و مفاهیمی که متضمن مفهوم فرهنگ هستند در اندیشه امام مورد شناسایی قرار می‌گیرد و ارتباط معنایی این مفاهیم با ایدئولوژی شیعی اسلام سیاسی تحلیل می‌شود. در ادامه مفهوم و اهمیت استقلال با همین فرایند مورد توجه قرار می‌گیرد و نهایتاً مؤلفه‌هایی که در تبیین مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه ایشان کشف می‌شود در یک میدان اجتماعی اقتضائات و شرایط حاکم بر کشور در دوران پهلوی و اثر آن بر شکل‌گیری اندیشه سیاسی ایشان مورد واکاوی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا معنایابی استقلال فرهنگی و ذکر مؤلفه‌های آن در چارچوب "هویت گفتمانی" انقلاب اسلامی تبیین گردد. براین اساس نمایه کلی تحلیل اندیشه امام(ره) در فرایند فوق به صورت ذیل می‌باشد:



شکل ۱- نمایه کلی تحلیل اندیشه امام(ره) در روش تحلیل محتوای اسکینر

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- مفهوم فرهنگ در اندیشه امام

۴-۱-۱- معنایابی ایدئولوژیک

واژه فرهنگ ۴۲۴۰ بار در بیانات امام تکرار شده و رتبه چهارم را در میان موضوعات مورد توجه ایشان دارد. (فوزی و همکاران ۱۳۹۴ ص ۱۸۸). این مفهوم با یک دسته از واژگان همراه بوده که در جدول ذیل ذکر شده است:



جدول ۲- مفاهیم همراه با فرهنگ

مقوله پیامدها	رسته مفهومی	کلید واژگان
ماهیت دینی فرهنگ	ایدئولوژیک	کارخانه آدم سازی، انسان سازی
		سایه نبوت ^۱ ، پیامبران الهی و اهل بیت
		توحیدی، قرآنی، دینی و اسلامی
		سعادت، سرنوشت‌ساز و کمال
		معنویت، هدایت، فلاح و رستگاری

استعمال واژگان فوق در تبیین مفهوم فرهنگ، بر نگاهی به شدت توحیدی بازمی‌گردد که بر خاستگاه کاملاً ایدئولوژیک و جهان‌بینی توحیدی ایشان دلالت دارد. برخلاف اکثر اندیشمندان که فرهنگ را مبتنی بر نگاهی تاریخی و جامعه‌شناختی تحلیل می‌کنند، ایشان بر جنبه توحیدی آن تمرکز ویژه دارند و این نگاه به شدت ارزش‌محور بوده و گویای این امر است که امام فرهنگ را عنصر هویت‌بخش و سرنوشت‌ساز برای انسان می‌دانند. در این راستا می‌فرمایند: "نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از جامعه جدا کردند، باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد". (دیدگاه‌ها ۱۳۸۴ ص ۲۷) در این نگاه، "فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است، اگر فرهنگ ناصالح شد این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند" (صحیفه، ج ۱، ص ۲۷۳) و "اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود.. دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه می‌کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف می‌کشاند". (صحیفه، ج ۱۷، ص ۲۰۳)

۴-۱-۲- از سیاست تا فرهنگ؛ تجربه تاریخی

برای درک بهتر مفهوم فرهنگ در اندیشه امام (ره) لازم است سیاست را هم از نگاه ایشان تعریف کنیم. در باور ایشان "سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست. این مختص به انبیاست". (صحیفه ج ۱۳ ص ۴۳۲) ایشان با اشاره به مخرب بودن سیاست فرهنگی تمام حکومت‌های غیردینی قبل از انقلاب می‌فرمایند: "برای ساختن یک مملکتی که در طول باید گفت ۲۵۰۰ سال تا حالا... آنها با تمام قوا در خراب کردن این مملکت کوشش کردند، در خراب کردن فرهنگ، خراب کردن تبلیغات و وسایل تبلیغی از قبیل



روزنامه‌ها، مجلات، رادیو-تلویزیون و هر چیزی را که شما خیال کنید؛ چیزهایی را که باید برای این مملکت خدمت بکند، آموزنده باشد، تربیت بکند مملکت را". (صحیفه ج ۱۰ ص ۲۱) بنابراین در نگاه امام فرهنگ امری تربیتی و اجتماعی است و در محیط جامعه توسط فرد کسب شده و در شکل دهی به هویت شخصیتی انسان و تفکر و اخلاق او نقش اساسی دارد. با این توضیح تعریف ایشان از فرهنگ ضمن اینکه کاملاً ایدئولوژیک است اما با درکی از تجربه تاریخی دوران پهلوی و فرهنگ وابسته آن دوران شکل گرفته و امام این وابستگی فرهنگی را دلیل فاسد شدن جامعه و عقب ماندگی آن می‌داند. بنابراین در ترکیب مبانی تفکر ایدئولوژیک ایشان با یک تجربه تاریخی، نیت امام تبیین مفهومی است که تربیت انسان‌ها در بستری اجتماعی و مبتنی بر استقلال همه‌جانبه را به همراه دارد. جدول ذیل نمایانگر این امر است:

جدول ۳- مفاهیم تربیتی اجتماعی همراه با فرهنگ

مقوله پیامدها	رسته مفهومی	کلید واژگان
فرهنگ وابسته ضد تربیت	تربیتی / ایدئولوژیک	هویت‌ساز
		مولد تربیت و اخلاق
		تفکرپرور
	تجربه تاریخی	امر اجتماعی
		جامعه فاسد

۴-۲- استقلال فرهنگی

۴-۲-۱- قاعده ایدئولوژیک نفی سبیل

واژه استقلال در صحیفه امام در بیش از ۵۰۸ موضع ذکر شده و در هر موضع نیز چندین بار تکرار شده و مجموعاً تکراری بیش از ۱۳۰۰ بار را شامل می‌شود. این مفهوم در لیست پرکاربردترین کلمات سیاسی در بیانات ایشان قرار دارد (فوزی و همکاران ۱۳۹۴ ص ۱۸۸) و عموماً همراه با مفاهیم موجود در جدول زیر استعمال شده است:

جدول ۴- مفاهیم نفی سبیل

مقوله پیامدها	رسته مفهومی	کلید واژگان
استقلال همه جانبه جامعه	ایدئولوژیک	سیاست اسلامی
		تمدن اسلامی
		استقلال فرهنگی، فکری و اقتصادی
		خودباوری
		موجودیت و هویت



در تحلیل محتوای پیامها و چینش معنایی واژگان فوق یک نکته محوری آشکار می‌گردد و آن هم اینکه نوع نگاه امام دقیقاً بر اساس اصل قرآنی "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا"^۱ (آیه معروف به نفی سبیل) تنظیم شده و بر این اساس استقلال مهمترین لازمه شکل دهی به جامعه‌ای توحیدی و عنصر هویت‌بخش آن بوده و هرگونه پیشرفتی مشروط به عدم وابستگی به غیر است. "اسلام وابستگی شما را و ما خودمان را به دیگران منکر است، می‌گوید نباید صنعت ما وابسته باشد، نباید زراعت ما وابسته باشد نباید ادارات ما وابسته باشد، نباید اقتصاد ما وابسته باشد، نباید فرهنگ ما وابسته به غیر باشد." (دیدگاه‌ها، ۱۳۸۴، ص ۴۴) در این میان فرهنگ نقشی تعیین کننده داشته و امور دیگر تابعی از آن است:

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه از بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند، و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. (صحیفه ج ۱۵، ص ۱۶)

بر اساس همین نگاه ایشان در ۱۱۲ موضع صراحتاً از ترکیب "استقلال فرهنگی" استفاده نموده‌اند که فصل مشترک همه آنها دلالت کننده اجتماعی است که هویت فرهنگی مستقل از غیریتی به نام تمدن غرب دارد.

۴-۲-۲- تجربه تاریخی وابستگی

تأکید بر مفهوم استقلال صرفاً خاستگاهی ایدئولوژیک ندارد بلکه نتیجه درکی تاریخی اجتماعی از آثار وابستگی فرهنگی ایران به غرب در دوران پهلوی و اثرات زاینبار آن بر کشور بوده است و اکنون که هویتی توحیدی برای کشور ایجاد شده، استقلال فرهنگی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسداشت آن است. به همین دلیل ایشان در تبیین فرهنگ خوب آن را فرهنگی می‌دانند که "مستقل و اسلامی" باشد (همان). "از منظر امام این دو وجه مثبت فرهنگ از یکدیگر قابل تفکیک نمی‌باشند. چراکه استقلال فرهنگی منوط به اسلامی شدن می‌باشد و یکی از پیامدهای مهم استقرار اسلام در جامعه، استقلال فکری و فرهنگی و اصالت تفکر و منش اسلامی حاکم در جامعه است." (احمدی، ۱۳۸۶) در تبیین آثار وابستگی فرهنگی در دوران رژیم پهلوی امام کلید واژگان زیر را استفاده کرده‌اند:



جدول ۵- مفاهیم آثار وابستگی

مقوله پیامدها	رسته مفهومی	کلید واژگان
وابستگی فرهنگی عامل عقب‌ماندگی	تجربه سیاسی	غربزدگی و اسلام آمریکایی
		انحطاط
		وابستگی و عقب‌ماندگی
		عمال غرب، سلطه و استکبار
		استضعاف و مستضعفین

بنابراین در اندیشه امام، تصور اینکه اسلام نسبت به وابستگی فرهنگی بی تفاوت باشد، برداشتی انحرافی از اسلام خواهد بود و مفهوم‌سازی امام (ره) با عنوان "اسلام آمریکایی" نیز بیانگر چنین قرائت‌های تحریف شده و التقاطی از اسلام است. در این راستا صحبت از معضلی فرهنگی در ایران به نام "غربزدگی" شده که شاید بتوان به نوعی رابطه "این همانی" میان دو مفهوم "غربزدگی" و "وابستگی فرهنگی" در بیانات ایشان پیدا کرد که به انحرافات غیرقابل انکار فکری فرهنگی در کشور در رابطه با فرهنگ غربی اشاره دارد: "آنها می‌خواهند ما وابسته باشیم و چیزهایی که به ما می‌دهند چیزهایی است که وابستگی می‌آورد. استقلال نمی‌خواهند داشته باشیم. استقلال فرهنگی نمی‌خواهند داشته باشیم. استقلال فکری نمی‌خواهند داشته باشیم." (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۶)

بنابراین مبتنی بر مدل تحلیل اسکینر، می‌توان تصویر مورد نظر حضرت امام (ره) از مفهوم استقلال فرهنگی را اینگونه ترسیم کرد؛ هویتی فرهنگی مبتنی بر توحید که تلاش معطوف به تربیت انسان در مسیر تعالی و کمال مادی و معنوی است اما این فرهنگ مستقل از تفکرات مادی‌گرایانه تمدن غرب است. در این معنا تفکر، گفتار، رفتار و سبک زندگی انسان کاملاً توحیدی و مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های دینی بوده و مستقل از انگاره‌ها و چارچوب‌های ماتریالیستی تبیین می‌شود و از نمودهای بیرونی رفتاری و گفتاری آن فاصله دارد. در این خصوص مفهوم "جهاد کبیر" که مدتی پیش توسط رهبر انقلاب مورد توجه قرار گرفت ناظر به همین امر است و بر یک تلاش جهادی برای جلوگیری از غربی شدن فرهنگ جامعه دینی اشاره دارد. دلیل تأکید امام بر مفهوم استقلال فرهنگی نیز نتیجه درکی تاریخی از وابستگی فکری و فرهنگی کشور در دوران پهلوی به فرهنگ غربی است و این امر عامل اصلی انحرافات در کشور و عقب‌ماندگی‌های آن دوران بوده، بنابراین نیت ایشان از طرح مفهوم استقلال فرهنگی، پاسداشت فرهنگ توحیدی در جامعه در راستای حفاظت از هویت نظام اسلامی است.



۴-۳- مؤلفه های استقلال فرهنگی

در تبیین شاخص های "استقلال فرهنگی" امام مجموعه‌ای از مفاهیم را بکاربرده‌اند که تجزیه و تحلیل این مفاهیم مشخص کننده مؤلفه‌های اصلی استقلال فرهنگی خواهد بود. همانگونه که پیشتر ذکر شد دو مقوله ایدئولوژی و اقتضائات اجتماعی تکمیل کننده مراد نهایی - نیت - ایشان از اطلاق عنوان "استقلال فرهنگی" می‌باشد. جدول ذیل بیانگر این موضوع است:

۷- جدول مؤلفه‌های استقلال فرهنگی

نیت	مقوله		زیر عنوان / مترادف	بسامد با مترادف	شاخص
	تاریخی	ایدئولوژیک			
شکل‌گیری هویت فرهنگی توحیدی مستقل	*	*	سازش‌ناپذیری، مبارزه، جهاد	۲۳۴۰	رویکرد تهاجمی
	*		خودکفایی	۴۲۳	استقلال اقتصادی
	*	*	تربیت انسانی، تربیت اسلامی	۱۳۲	تربیت دینی
	*	*	درون، اندیشه، روح	۸۴	استقلال فکری
		*	هویت دینی	۷۱	هویت اسلامی
	*		اعتماد به نفس	۴۹	خودباوری

۴-۳-۱- استقلال فکری

در صحیفه‌نور امام در تبیین استقلال فرهنگی در ۸۴ موضع به استقلال فکری اشاره کرده و آن را اساس استقلال فرهنگی دانسته‌اند: "همان طور که کراراً تذکر داده‌ام بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرتها و مستکبرین وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد". (صحیفه، ج ۱۰، ص ۷۹) و "اول چیزی که بر ملت لازم است و بر دانشگاه‌ها لازم است. این است که این نفری که حالا شده است یک نفر اروپایی یا یک نفر شرقی، این مغز را بردارند یک نفر انسان خودمانی، انسانی ایرانی - اسلامی... یک مغز اسلامی - انسانی جایش بنشانیم" (دیدگاه‌ها ۱۳۸۴، ص ۴۴) و این حساسیت از آنجایی ناشی می‌شود که "فرهنگ مسموم استعمار، تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین درمی‌آورد و هرروز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می‌کند". (صحیفه، ج ۱، ص ۱۵۶) (درک تاریخی)



از نگاه امام وابستگی فرهنگی ریشه در وابستگی فکری دارد و عامل اصلی انحراف کشور از فرهنگ توحیدی است و منتج به یک روح وابسته شده: "ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم، این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است". (صحیفه، ج ۷، ص ۲۵) اصولاً رفتار، هنجار و ارزش‌های فرهنگی ریشه در تفکر دارد و اگر ملتی از درونمایه‌های فکری خود فاصله بگیرد و تفکر خود را مبتنی بر "گفتمان فرهنگی غیر" تنظیم کند، "هویت فرهنگی" خود را از دست خواهد داد و این وابستگی فکری اساس وابستگی فرهنگی و عامل اصلی مخدوش شدن استقلال فرهنگی کشور می‌شود.

۴-۳-۲- خودباوری

ذیل استقلال فرهنگی، ۴۹ بار امام از خودباوری، اعتماد به نفس و ترکیبات مترادف دیگر برای اشاره به ابعاد مختلف استقلال فرهنگی استفاده کرده‌اند. در نگاه ایشان خودباوری اساس استقلال هر کشوری را تشکیل می‌دهد و تبلور عینی آن را در فرهنگ یک جامعه می‌توان ملاحظه نمود. انسان تا خود و داشته‌های فکری و فرهنگی‌اش را باور نکند، هرگز جرأت و جسارت دست‌اندازی به کارهای عظیم را ندارد و هرگونه پیشرفتی را تنها باتکیه بر دیگران میسر و ممکن می‌داند. به باور ایشان برای غارت منابع کشورهای جهان سوم "آن‌ها (استکبار جهانی) کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند... با تبلیغات خودشان، ماها را ترسانند که از خودمان می‌ترسیدیم؛ به خودمان اعتماد نداشتیم". (صحیفه، ج ۶، ص ۴۰) و "شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی‌توانید صنعت درست بکنید... و تا این باور هست، نمی‌توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید". (صحیفه ج ۱۴، ص ۳۰۹)

در نگاه ایشان اگر فرهنگ جامعه نتواند برای مردمانش هویتی مستقل و متعالی فراهم نماید نتیجه اش از دست رفتن حس اعتماد به نفس در دل و جان مردم خواهد بود و این یکی از خطرناک‌ترین آسیب‌های فرهنگی است که استعمار کهن و نوین هر دو در هر ارتباطی با ملت‌های دیگر برایشان به ارمغان آورده‌اند. با درک عمیق این موضوع، امام(ره) می‌فرمایند: "ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان، اگر بخواهند از دام شیطنت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند". (صحیفه ج ۱۵، ص ۲۶۷)

بنابراین امام در تحلیلی تاریخی و با اشاره به نتایج این ضعف خودباوری در دوران پهلوی، اعتقاد داشتند: "این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده بود که می‌توانید... همین باور توانایی، شما را توانا می‌کند." (همان) و نهایتاً از شکل‌گیری روح خودباوری به عنوان آرزو و آرمان خود یاد می‌کنند: "من امیدوارم که



از این به بعد کارهای بالاتر از شما انجام بگیرد، به طوری که دست ما به طرف غرب و شرق دراز نباشد و خود ما بتوانیم کارهای خودمان را انجام بدهیم. خود ما بتوانیم که کشور خودمان را به استقلال تامّ تمام، بدون وابستگی در هیچ امری از امور به غیر، بتوانیم اداره بکنیم. باورمان بیاید که ما هم مثل سایر موجودات عالم می‌توانیم کارهایی انجام بدهیم". (صحیفه، ج ۱۴، ص ۳۰۶)

۴-۳-۳- تربیت دینی

یکی از ابعاد وجودی ساحت فرهنگ وجود یک نظام تربیتی مشخص همراه با هنجارها و ارزش‌های ثابت مبتنی بر جهان‌بینی و هستی‌شناسی درون آن می‌باشد که می‌کوشد رفتارهای اعضای جامعه را براساس آن تنظیم نماید. اسلام از جامع‌ترین نظام تربیتی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای الهی و انسانی برخوردار است. امام در صحیفه نور در ۱۳۲ موضع ذیل استقلال فرهنگی، بر ضرورت وجود تربیت دینی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری استقلال کشور تأکید کرده و تربیت دینی را عاملی بازدارنده و شرط لازم برای مقابله با وابستگی فرهنگی می‌دانند: "قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت، فرهنگ صحیح باشد". (صحیفه، ج ۷، ص ۷۴)

در درکی تاریخی، ایشان به شدت فرهنگ دوران رژیم پهلوی و نظام تربیتی درون آن را عامل ضایع شدن فرهنگ ایران و دلیل ناپودی استقلال فرهنگی کشور و در نتیجه عقب‌ماندگی و وابستگی جامعه ایران می‌دانستند: "معلمین مدارس ما، معلمین اسلامی به حسب نوع نیست، و تربیت در کنار تعلیم نبوده است. و لهذا آن چیزی که از دانشگاه‌های ما بیرون آمده است، یک انسان متعهد، یک شخصی که برای مملکت خودش دلسوز باشد، و تمام نظرش به این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد، ما نداریم". (صحیفه، ج ۱۲، ص ۲۴۹) و ضرورت تربیت اسلامی را چنین برمی‌شمارند: "تربیت کنید این بچه‌ها را به تربیت انسانی، تربیت اسلامی که همان تربیت انسانی است. اگر این مملکت مسلمان بشود، تربیت تربیت اسلامی باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابلش بایستد. چنانچه دیدید که این قدرتی که شکست داد این قدرت بزرگ را همین قدرت ایمان بود". (صحیفه، ج ۱۰، ص ۶)

۴-۳-۵- هویت اسلامی

در تبیین استقلال فرهنگی امام در ۲۷ موضع از مفهومی به نام "هویت اسلامی" نام می‌برند. از نگاه ایشان ترسیم هویتی اسلامی برای مردم، می‌تواند سدی محکم در مقابل وابستگی به ابعاد وجودی فرهنگ غربی ایجاد کند و اگر این هویت به خوبی تبیین و ترویج شود بسیاری از تبلیغات تخریب‌کننده چهره فرهنگ اسلامی که باعث بی‌رغبتی مردم به فرهنگ دینی می‌شود، خنثی خواهد شد. "ما موظفیم ابهامی را



که نسبت به اسلام به وجود آوردند، برطرف سازیم. تا این ابهام را از اذهان نزداییم، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آنها سفارش کنیم که نسل آتیۀ خویش را نیز مأمور کنند این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چندصدساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل کرده‌های ما پیدا شده، رفع کنند". (امام خمینی ۱۱۸: ۱۳۷۳)

ایشان با نگاهی به اقدامات دولت پهلوی و خروجی آن در وابستگی فکری، فرهنگی و اقتصادی ایران به غرب، معتقد بودند آنها "مأموریت داشتند برای اینکه ما را عقب نگه دارند، نگذارند که یک دانشگاهی داشته باشیم؛ نگذارند که یک دبیرستان صحیح داشته باشیم. یک مأموریتی بود که آن مراکزی که از آن مراکز ممکن است که انسانهای آگاه پیدا بشوند آن مراکز را نگذارند که رشد بکنند. رضاخان اولی که وارد شد .. شروع کرد به کارهایی که مأمور بود". (صحیفه، ج ۱۰، ص ۲)

امام غربزدگی و هنجارهای فرهنگی غربی را به عنوان مانعی اساسی بر سر راه این هدف برمی‌شمردند و با نگاهی کاملاً ایدئولوژیک، هویت اصلی انقلاب اسلامی را "هویت اسلامی" می‌دانستند و بر این نکته تأکید داشتند که به دلیل ماهیت توحیدی انقلاب اسلامی لاجرم باید یک "جامعه توحیدی"، براساس فرهنگ توحیدی شکل داد و تربیت انسانی هم مبتنی بر توحید و آموزه‌های دین مبین اسلام باشد تا استقلال فرهنگی جامعه حفظ شده و حرکت آن به سوی سعادت و کمال ابدی میسر گردد و در ۴۴ موضع از شکل‌دهی به یک جامعه توحیدی سخن گفتند که تنها در یک سخنرانی ۳۲ بار این عبارت تکرار شده: "جامعه توحیدی عبارت از جامعه‌ای است که .. همه با حفظ مراتبشان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی .. اگر یک ملتی این‌طور شد، خودش را نگه می‌دارد. شما دیدید که یک حدودی ملت ما با هم منسجم شدند و غلبه کردند بر همه چیز". (صحیفه، ج ۱۱، ص ۴۱۷)

۴-۳-۶- رویکرد تهاجمی

واژه مبارزه ۴۸۸۷ بار در بیانات ایشان تکرار شده و در ۱۲۳۸ موضع در کنار استقلال، و در ۶۷۵ موضع در کنار استقلال فرهنگی ذکر شده است. به عبارتی واژه مبارزه یکی از پر بسامدترین واژگان مورد استفاده توسط امام بوده است. همچنین ۲۵۷۹ مرتبه واژه جهاد توسط ایشان به کار برده شده که در ۶۹۱ موضع همراه با مفهوم استقلال و در ۹۷۴ موضع همراه با مفهوم فرهنگ استعمال شده است. تحلیل محتوای این مواضع نشان می‌دهد ایشان باور عمیق داشتند که مبارزه تانفی کامل فرهنگ کفر بنابر شواهد مستدل قرآنی و روایی و تجربه تاریخ و تقابل بین فرهنگ کفر و ایمان، امری بدیهی



و آشکار است و مسلمانان چه بخواهند و چه نخواهند، در میدان مبارزه حضور دارند و اگر به خود نیایند و ضربه به جبهه کفر وارد نکنند، قهراً باید منتظر دریافت ضربات پی‌درپی از جبهه کفر باشند. (پیام قبول قطعنامه) ایشان در زمینه رویکرد تهاجمی در مسأله فرهنگ به مبانی زیر باور داشتند:

الف- بشریت تشنه فرهنگ اسلام ناب

تاکید ویژه داشتند که اسلام به دلیل هماهنگی با فطرت انسان‌ها، مورد توجه همه جوامع بشری خواهد بود و به دلیل انحرافات گسترده در فرهنگ ماده زده "امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد". (صحیفه ج ۲۰، ص ۲۳۵) "تشنه فرهنگ اسلام بودن" مشخصاً در ۵ موضع مورد توجه قرار گرفته و در ۱۷ موضع دیگر نیز مفاهیم مشابه استعمال گردیده است.

ب- سازش ناپذیری

مفهوم "سازش ناپذیری" در ۹۵ موضع توسط ایشان به کار برده شده که در ۲۶ موضع همراه با مفهوم استقلال استعمال شده است. از نگاه ایشان روحیه سازش ناپذیری با ظلم و طاغوت، میراث ارزشمند نهضت انبیاء و رویکردی منبعث از تعالیم قرآن و سیره اهل بیت (ع) است؛ آن‌هایی که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آن‌ها از باب این که همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند.. آن‌ها نمی‌دانند انبیای خدا چه رویه‌ای داشتند، باظالم چه طور برخورد می‌کردند.. سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید یا جاهل هستند یا مزدور. (صحیفه، ج ۱۹، ص ۱۹) من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان، از پای نخواهیم نشست. (صحیفه، ج ۲۰، ص ۱۱۸)

ج- احیای هویت اسلامی و انقلاب جهانی مستضعفین

"انقلاب جهانی" و "انقلاب مستضعفین" در ۶۳ موضع و "مستضعفین عالم" در ۳۵ موضع در صحیفه نور توسط ایشان استعمال شده است. مبتنی بر نگاهی ایدئولوژیک و تحلیلی تاریخی، باور داشتند که فقط اسلام ناب محمدی (ص) است که توانایی اداره جامعه بشری را دارد و برای این مهم احیای هویت اسلام انقلابی ضرورتی تردیدناپذیر است و رسالت انقلاب اسلامی این است که برای این آرمان مهم در دنیا بسترسازی و زمینه‌سازی کرده و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی نماید: "من به صراحت اعلام می‌کنم



که جمهوری اسلامی ایران باتمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان درسراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد" (صحیفه ج ۲۰ ص ۲۳۸) و برای این منظور روحیه انقلابی و مبارزه طلبی دائمی را ضرورتی همیشگی برای مستضعفین عالم می‌دانستند تا بتوانند با اتکاء به این روحیه تهاجمی از زیر سلطه زورگویان بیرون بیایند و عزت و کرامت خود را بازیافته و به استقلال نایل آیند.

۴-۳-۷- استقلال اقتصادی

مفهوم "استقلال اقتصادی" ۹۰ بار و "خودکفایی" ۳۳۳ بار و در ۲۴۲ موضع توأمان توسط امام استفاده گردیده است. تحلیل محتوای این پیامها نشان می‌دهد که ایشان آن را از پایه های اصلی استقلال می‌دانستند و این به دلیل تجربه ای بود که از دوران حکومت پهلوی و نقش وابستگی اقتصادی در وابستگی فرهنگی کشور، بدست آورده بودند. در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب روی این نکته دست گذاشتند که "ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم، این بهتر از اینست که وابسته و مرفه باشیم و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزشهای اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم". (پیام دومین سالگرد آغاز جنگ) و با اشاره به دوران طاغوت، اعتقاد داشتند: "ملت ایران هم با استواری سرشاری که دارد می‌توانست پیشرفتهای خیلی بیشتر اقتصادی داشته باشد، اما نگذاشتند و به عناوین مختلف جلو مردم را گرفتند. نگذاشتند ما دانشگاه صحیح داشته باشیم. الآن هم اجانب بیکار ننشسته‌اند و می‌خواهند نگذارند ما دانشگاه مستقل داشته باشیم و اقتصاد مستقل ایجاد کنیم. ان‌شاءالله متفکرین بنشینند و فکری کنند که دانشگاه و اقتصادی پیدا کنیم که ما را از تسلط اجانب آزاد کند". (صحیفه، ج ۱۲، ص ۴۷۴)

براین اساس امام استقلال اقتصادی را پایه هرگونه استقلال می‌دانستند و رسیدن به سایر جنبه های استقلال را مشروط بر آن معرفی می‌کردند: "ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناحها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال بدست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد". (صحیفه، ج ۱۰، ص ۴۳۳) و تأکید داشتند: "استقلال با وابستگی جمع نمی‌شود. فرهنگمان وابسته بشود استقلال نداریم. اقتصادمان وابسته بشود استقلال نداریم. اول باید آن مطلب را درستش کرد. استقلال اقتصادی. اول باید



او را درستش کرد، تا ما بتوانیم اسم خودمان را یک مملکت بگذاریم؛ یک مملکت مستقل بگذاریم". (همان)

۵- جمع بندی و پیشنهادها

۵-۱- جمع بندی و نتیجه گیری

در شرایطی که غالب مطالعات قبلی به صورت پراکنده و موردی به تبیین موضوع استقلال فرهنگی در اندیشه امام پرداخته بودند، در این پژوهش ضمن تبیین همه جانبه مفهوم، به صورت کیفی و کمی مؤلفه‌های آن مورد بررسی و تشریح قرار گرفت به گونه‌ای که خواننده مقاله با یکبار مطالعه آن می‌تواند تصویر کاملی از موضوع به دست آورد. در مجموع از واکاوی کلی اندیشه‌های امام (ره) در رابطه با مفهوم و مؤلفه‌های استقلال فرهنگی، چنین برمی‌آید که اصولاً ایشان با سه رویکرد کلی به موضوع پرداخته‌اند:

۱- نگاهی کاملاً ایدئولوژیک به مسأله استقلال فرهنگی

۲- درکی تاریخی از اثرات ویرانگر وابستگی فرهنگی به غرب در دوران طاغوت

۳- ترسیم نگاهی معیار به مسأله استقلال فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن

با این توصیف فرهنگ غرب غیریتی خطرناک برای جامعه اسلامی است که می‌تواند با ورود به فضای فرهنگی کشور، هویت آن را نشانه گرفته و نابود سازد. این فرهنگ حالتی تهاجمی دارد و تجربه تاریخی نشان داده که هر جا ورود کرده هویت‌ها را در خود هضم نموده و استقلال فکری، سیاسی و فرهنگی را از بین برده است. بنابراین از نگاه ایشان: - فرهنگ مجموعه‌ای هویت‌ساز، مولد تربیت، اخلاق محور و تفکر پرور و امری فراگیر در جامعه است.

- استقلال فرهنگی یعنی عدم وابستگی فکری، اخلاقی، تربیتی و اقتصادی به غیر که باید به استقلال سیاسی منجر شود.

مؤلفه‌های این عدم وابستگی در مجموع عبارتند از: استقلال فکری و اصلاح تفکر مبتنی بر ارزشها و هنجارها و نظام هستی‌شناسی توحیدی؛ خودباوری و اعتماد به نفس ملی در راستای حرکت و پیشرفت؛ تربیت اسلامی مبتنی بر هویت توحیدی با رویکرد تهاجمی فرهنگ توحیدی علیه فرهنگ الحادی؛ نگاهی جهادی به تقابل دائمی با نظام سلطه که استقلال اقتصادی لازمه حرکت آن است و اگر فرهنگ توحیدی به یک خود کفایی اقتصادی نرسد در مسیر حرکت به سمت شکل دهی به هویتی توحیدی در مقابل غیریتی به نام تمدن غرب موفق به رسیدن به استقلال فرهنگی نخواهد شد.

از نگاه امام آرمانگرایی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و ضدیت با استکبار، لازمه



شکل‌گیری فرهنگ و هویتی توحیدی است اما موانعی همچون "از خود بیگانگی فرهنگی"، "استعمار فرهنگی" و "سلطه فرهنگی" حرکت به سوی استقلال فکری و فرهنگی را مختل کرده و در این مسیر مانع‌سازی می‌کنند. در راستای مقابله با سلطه فرهنگی استکبار نیز راهبردهایی همچون قطع وابستگی فرهنگی، دفاع همه‌جانبه از ارزش‌های دینی، تحول در فرهنگ به جا مانده از دوران پهلوی، حضور مؤثر روحانیت، توجه به مراکز آموزشی و تبلیغی، مشارکت فعال زنان، اصلاح ساختار نظام تربیتی، توجه به جوانان، تقویت باور به نظام سیاسی اسلام و مبارزه با رفاه‌طلبی مسئولان را ذکر می‌کنند.

۵-۲- پیشنهادها

به نظر می‌رسد امروز و در شرایطی که جامعه ما دچار برخی تنش‌های فرهنگی و سیاسی شده و اختلافات گسترده‌ای در نوع نگاه به مسایل کلان کشور در بین نخبگان و مسئولین پدیدار شده، راهکارهای ذیل می‌تواند مفید باشد:

۱- تبیین صریح و شفاف رویکرد امام به مسأله استقلال فرهنگی، به این معنی که یکبار برای همیشه دیدگاه ایشان به عنوان دیدگاه معیار در جامعه تبیین و ترسیم گردد تا قرائت‌های انحرافی مجال جولان پیدا نکنند.

۲- توجه مستمر خواص و نخبگان جامعه در خصوص نگاه امام به مسأله در راستای کاهش گسست‌های موجود میان آنها و ایجاد اجماع نخبگانی.

۳- ترسیم حقوقی رویکرد امام به موضوع در میان دستگاه‌ها و مسئولین کشور به عنوان رویکرد معیار به گونه‌ای که تدوین و اجرای راهبردهای کلان سیاسی و فرهنگی کشور به سمت اجماع بیشتر سوق داده شود.



۶- منابع

۱-۱- منابع فارسی

الف) مقاله‌ها

۱. الجراد، محمد خلف (۱۳۸۳). امام خمینی و چالش‌های جهانی سازی، ترجمه فرید فرنیاء، گزیده مقالات همایش اندیشه امام خمینی (ره) در نگاه اندیشمندان جهان.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی در سه جهت: شناسایی کانونهای بحران در دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۶، صص ۱۰۸-۸۳.
۳. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۷). جیمز تولی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، صفحات ۲۶-۴۹.
۴. جعفری، علی اکبر؛ قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴). راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۹۰، صفحات ۶۹-۹۲.
۵. سلحشوری، احمد (۱۳۹۳). فرهنگ آمریکایی و راه‌های مبارزه با آن از منظر امام خمینی (ره)، مطالعات ملی، شماره ۶۰، صفحات ۶۰-۴۸.
۶. صمیم، رضا؛ محمدی، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی رابطه معنادار سیاستگذاری فرهنگی، حفظ نظام سیاسی و امام خمینی بر پایه نظریه لاکاتوش، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱۰، صفحات ۱۳۲-۱۰۹.
۷. طاهری، هادی (۱۳۸۹). استقلال فرهنگی رهیافت مقابله با تهدیدات نرم، حصون، شماره ۲۳، صفحات ۶۰-۵۱.
۸. علیزاده، سلمان (۱۳۹۳). ابعاد و مولفه‌های امنیت فرهنگ از منظر امام خمینی (ره)، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۰، صفحات ۱۲۲-۹۰.
۹. فوزی، یحیی؛ حسن پور، صابر؛ علیزاده، قدسی (۱۳۹۴). تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی‌های امام خمینی در سالهای ۴۱ تا ۶۸، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۳، صفحات ۱۹۲-۱۷۹.
۱۰. مرادپور، امیرحسین (۱۳۸۹). فرهنگ و ابزارهای سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فرهنگ پژوهش، شماره ۶، صفحات ۴۶-۳۱.
۱۱. مرتضوی، سیدخدایار (۱۳۸۶). روش شناسی اسکینر، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال سوم شماره اول، صفحات ۷۹-۵۷.
۱۲. مصطفوی، سیدمحسن (۱۳۸۹). تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۸۹، صفحات ۵۷-۳۹.
۱۳. مهدی پور، محمود (۱۳۸۴). قرآن و استقلال فرهنگی، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۷۲، صص ۱۸-۴.



۱۴. موسوی، سیدصدرالدین؛ قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲). روشهای تحقق امنیت فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی (ره)، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۸، صفحات ۶۰-۲۹

۱۵. نصرافهانی، مهدی؛ نصرافهانی، محسن (۱۳۹۴). مقایسه فرهنگ استعماری و فرهنگ استقلالی در اندیشه امام خمینی (ره)، پژوهشهای سیاسی، شماره ۱۴، صفحات ۱۰۲-۸۲

ب) کتاب ها

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۹). تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات نشر نو
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). روش های کاربردی تحقیق، تهران، انتشارات کیهان
۳. اسکینر، کوئنتین (۱۳۸۰). ماکیاولی، ترجمه عزت اله فولادوند، چاپ چهارم. تهران، انتشارات آگه
۴. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی
۵. اشتراوس، لئو (۱۳۸۱). فلسفه سیاسی چیست؟، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۶. بیلینگتون، رازموند (۱۳۸۰). فرهنگ و جامعه، جامعه‌شناسی فرهنگ، ترجمه فریبا عزبدفتری. تهران، نشر قطره
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴). شخصیت و دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره)، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت
۸. خمینی، روح الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ نهم
۹. خمینی، روح الله (۱۳۶۸-۱۲۷۹)، صحیفه نور، چاپ پنجم.
۱۰. ساده، مهدی (۱۳۷۵). روش های تحقیق با تأکید بر جنبه های کاربردی، تهران، انتشارات بینا
۱۱. سالاری، مریم، کاکائی، عباس (۱۳۹۲). اصولگرایی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۲. سرمد، زهره (۱۳۷۹). روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگه
۱۳. فوزی، یحیی، حسن پور، صابر، علیزاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۴). تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی های امام خمینی در سال های ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸. مطالعات انقلاب اسلامی شماره ۴۳، صص ۱۷۹ تا ۱۹۲
۱۴. کرپین، دورف (۱۳۸۳). روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشرنی
۱۵. معینی، جهانگیر (۱۳۷۴). نظریه و فرهنگ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۱۶. لورنس، باردن (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی



۱۷. هولستی، ال ج آر (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۸. وثوقی، منصور؛ نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۵). مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات خردمند، چاپ دهم

ج) منابع اینترنتی

۱. احمدی، محمد مهدی (۱۳۸۶). توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، سایت تبیان
۲. روستایی، مریم (۱۳۹۱). نظریات فرهنگی امام خمینی (ره)، سایت مدیر یار
۳. سخنرانی مقام معظم رهبری ۹۳/۱/۱ در حرم رضوی، سایت رهبری
۴. فاضلی، نعمت اله (۱۳۷۲). مفهوم فرهنگ، سایت تبیان
۵. همایون، محمد هادی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در اندیشه امام خمینی (ره)، سایت گزاره‌نو

۶-۲- منابع لاتین

1. Skinner, Quentin (1988). **Meaning and Understanding in the history of ideas Meaning and context**, Edited by James Tully, New Jersey, Princeton University Press
2. Skinner, Quentin (1988). **Social meaning and the explanation of social action**, New Jersey, Princeton University Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

